

• (السؤال عن الجزئيات في الروايات) ..

• (سؤال از جزئیات روایات) ..

السؤال عن الجزئيات أمر يتعرض له الأتصار بكثرة من قبل السائلين، إذ تضمنت روايات أهل البيت (عليهم السلام) الإشارة إلى ما يرتبط بأحداث وشخصيات في زمن الظهور، بل حتى أدق التفاصيل المرتبطة بدعوة الإمام المهدي (عليه السلام) ورسالته الإلهية، ويصرّ البعض على ربط إيمانه بدعوة الإمام المهدي (عليه السلام) ووصيه ورسوله إلى الناس على تشخيص تلك الجزئيات وضرورة استيضاحها كباب أحادي للإيمان دون ما سواه.

پرسش از جزئیات موضوعی است که سؤال کنندگان زیادی، از انصار می پرسند. به ویژه آن گاه که روایات اهل بیت (علیهم السلام) به رویدادها و اشخاص زمان ظهور اشاره داشته باشد؛ حتی عده ای از افراد از دقیق ترین جزئیات مربوط به دعوت امام مهدی (علیه السلام) و رسالت الهی آن حضرت سؤال می کنند. برخی اصرار دارند که ایمان خود به دعوت امام مهدی (علیه السلام) و وصی و فرستاده او به سوی مردم را با شناسایی این جزئیات و ضرورت روشن شدن آنها مرتبط سازند؛ گویی این تنها دروازه ورود به ایمان است و لا غیر!

وهذا الفهم في الحقيقة فيه من المجازفة ما فيه، لأن أئمة الهدى (عليهم السلام) أشاروا إلى أن البداء أمر ممكن في الجزئيات، ومن غير الصحيح أن يربط المنتظر إيمانه بدعوة إمامه (عليه السلام) ويعلقه على أمر ممكن حصول البداء فيه.

واقعیت آن است که این شیوه پی بردن به حقیقت، با قدری حدس و گمان همراه است زیرا ائمه اطهار (علیهم السلام) اشاره کرده اند که ممکن است در جزئیات، "بداء" (تغییر) حاصل شود؛ بنابراین صحیح نیست که فرد منتظر،

ایمان به دعوت امامش (علیه السلام) را به مواردی گره بزند که ممکن است در آنها بداء ایجاد شود.

علی هذا، کنت قد سألت العبد الصالح (علیه السلام) ذات مرة عن السفیانی وبعض التفاصيل المرتبطة بشخصیات وأحداث الظهور.

بر این اساس یک بار از عبد صالح (علیه السلام) درباره سفیانی و برخی جزئیات مربوط به اشخاص و رویدادهای هنگام ظهور سؤال کردم.

فأجابني (علیه السلام): (بالنسبة للتفاصيل كلها يحتمل فيها البداء، بل هو الراجح بالنسبة لخطة عسكرية يراد بها الانتصار على العدو وهو الشيطان وجنده، فحتى الخروج الذي نص عليه أنه في يوم واحد[\*]) فيه البداء).

[\*]- نص على ذلك في رواية اليماني، عن الامام الباقر (ع)، قال: (.. خروج السفیانی والیمانی والخراسانی في سنة واحدة، في شهر واحد، في يوم واحد، نظام كنظام الخرز يتبع بعضه بعضا فيكون البأس من كل وجه ويل لمن ناوهم، وليس في الرايات راية أهدى من راية اليماني، هي راية هدى، لأنه يدعو إلى صاحبكم ..) غيبة النعماني: ص ۲۶۴.

وی (علیه السلام) در پاسخ فرمود: (در همه جزئیات، احتمال بداء وجود دارد؛ حتی این موضوع (بداء)، با توجه به طرح و برنامه نظامی که هدف از آن پیروزی بر دشمن یعنی شیطان و ارتش او است، اولویت بیشتری دارد. حتی در مورد زمان خروج که در مورد آن به صراحت در حدیث آمده که «در یک روز انجام می‌شود» [\*]) نیز احتمال وقوع بداء وجود دارد).

[\*]- در روایت یمانی به این موضوع بصراحت اشاره شده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: (.. خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود. درست بهمان دانه‌های تسبیح، یکی پس از دیگری خواهند آمد. ترس و وحشت و اضطراب از هر سو روی خواهد آورد. وای به حال کسی که با آنها درافتد. در میان پرچمها، پرچمی هدایت‌شده‌تر از پرچم یمانی نیست؛ آن پرچم هدایت است زیرا او شما را به صاحب‌تان [امام مهدی] دعوت می‌کند ..) غیبت نعمانی: صفحه ۲۶۴.

ثم بعد أن ذكر بعض الروايات الشريفة لخص مضامينها، وقال (عليه السلام):  
 (ماذا تفهم من الروايات؟ القائم من المحتوم، القائم من الميعاد، السفيناني من  
 المحتوم، المحتوم ليس فيه بدء، المحتوم فيه بدء، الميعاد ليس فيه بدء ([#]).

[#]- أما كون القائم (ع) والسفيناني من المحتوم، فعن علي بن الحسين (ع)، قال: (يقوم قائمنا لموافاة الناس سنة،  
 قال يقوم القائم بلا سفيناني إن أمر القائم حتم من الله، وأمر السفيناني حتم من الله، ولا يكون قائم إلا بسفيناني ..)  
 بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ١٨٢. وأما كون المحتوم لا بدء لله فيه، فعن زرارة بن أعين عن عبد الملك بن أعين، قال: (كنت  
 عند أبي جعفر (ع) فجرى ذكر القائم (ع) فقلت له: أرجو أن يكون عاجلاً ولا يكون سفيناني فقال: لا والله إنه لمن  
 المحتوم الذي لا بد منه) غيبة النعماني: ص ٣٠١. وأما كون القائم من الميعاد، وأن المحتوم يمكن أن يبدو لله فيه، فعن  
 داود بن أبي القاسم قال: (كنا عند أبي جعفر محمد بن علي الرضا (ع) فجرى ذكر السفيناني وما جاء في الرواية  
 من أن أمره من المحتوم، فقلت لأبي جعفر (ع) هل يبدو لله في المحتوم؟ قال: نعم، قلنا له: فنخاف أن يبدو لله في  
 القائم، قال: القائم من الميعاد) بحار الأنوار: ج ٢٥ ص ٢٥٠.

وی (عليه السلام) سپس برخی روایات شریفه را بیان و مفهوم آنها را خلاصه نمود  
 و فرمود: (از این روایات چه می فهمی؟ قائم از حتمیات است، قائم جزو  
 "وعددها شدهها" (میعاد) است، سفینانی از حتمیات است، در حتمیات بدء  
 وجود ندارد، در حتمیات بدء وجود دارد، در وعده داده شده (میعاد) بدء راه  
 ندارد ([#]).

[#]- وجود قائم (ع) و سفینانی، حتمی است. از امام علی بن حسین (ع) نقل شده که فرمود: (قائم ما در سالی که  
 مردم غافلگیر می شوند، قیام می نماید. راوی عرض کرد: قائم بدون سفینانی قیام می کند؟ حضرت فرمود: امر قائم از  
 جانب خدا حتمی است و امر سفینانی از جانب خدا حتمی است، و قیام قائم نباشد مگر با سفینانی! ..) بحار  
 الانوار: جلد ٥٢ صفحه ١٨٢. اما در محتوم، بدء الهی راه ندارد. زراره بن اعین از عبدالمکمل بن اعین نقل کرده که  
 گفت: (نزد ابوجعفر امام محمد باقر (ع) بودم که یادی از قائم (ع) بهمیان آمد. به آن حضرت عرض کردم: امیدوارم  
 که (قیام قائم) زود باشد و با آن سفینانی نباشد. فرمود: نه به خدا سوگند، او از جمله حتمیاتی است که چارهای از  
 آن نیست) غیبت نعمانی: صفحه ٣٠١. و اما در این مورد که قائم، میعاد (وعددها شده) است و ممکن است در  
 حتمیات بدء الهی حادث گردد، از داوود بن ابی القاسم نقل شده که گفت: (نزد ابوجعفر محمد بن علی الرضا (ع)  
 بودیم که ذکر سفینانی و آنچه که در روایت آمده مبنی بر این که امر وی محتوم است، بهمیان آمد. به ابوجعفر (ع)

عرض کردم: آیا خدا در امر محتوم بداء دارد؟ فرمود: آری. به آن حضرت عرض کردیم: ما می‌ترسیم که خدا در قائم نیز بداء روا دارد. حضرت فرمود: قائم جزو میعادها است (بحار الأنوار: جلد ۲۵ صفحه ۲۵۰).

- فالمحتوم فيه بداء بمعنى في تفاصيله، وإلا فهذه روايات تبين أن لا بداء فيه، أما أصل وجود سفیانی فلا بد منه ولكن ممكن يكون فلان أو فلان، ويمكن أن يكون مبدأه من هنا أو من هناك.

- در حتمیّات بداء وجود دارد، یعنی در جزئیّات آن؛ و گرنه این روایات بیان می‌کند که بدائی در آن راه نمی‌یابد. اصل وجود سفیانی اجتنابناپذیر است ولی ممکن است وی فلانی باشد یا فلانی؛ و یا خاستگاهش از اینجا باشد یا از آن جا.

- القائم من الميعاد ولا بداء فيه؛ لأنه إمام فلا يكون في المعصوم بداء.

- قائم از میعاد است و بداء در او راه ندارد؛ زیرا وی امام است و در معصوم هیچ بدائی نیست.

إذن، فأصل قيام اليماني والسفیانی والخرسانی في يوم واحد واقع ضمن مساحة البداء، فكيف يمكن أن يجعله عاقل دليلاً قطعياً لأبد من تحققه وهو مما يبدو لله فيه).

بنابراین اصل «قیام یمانی و سفیانی و خراسانی در یک روز» در محدوده بداء قرار می‌گیرد؛ حال چه طور ممکن است یک انسان عاقل آن را دلیل قطعی و لازم‌التحقق در نظر بگیرد در حالی که ممکن است خداوند در آن تغییری ایجاد کند؟»

\*\*\*

وسألته (عليه السلام) أيضاً، فقلت: أحياناً يتم سؤالنا عن جزئيات ويطلب منا أن نجيب عليها، أقصد جزئيات في الروايات، مثلاً: هل ما يجري في العراق الآن من أمور تؤدي إلى استلام السفيناني الحكم بعد أن قلمت أن الحكم القائم اليوم هو لبني العباس، وأيضاً عن الدجال وربطه بالشخص المعروف، فكيف يتم التعامل مع هكذا أسئلة؟

همچنين از ایشان (عليه السلام) پرسیدم: گاهی اوقات درباره جزئیات از ما سؤال می‌شود و از ما پاسخ می‌خواهند؛ منظورم جزئیات در روایات است. مثلاً آیا آنچه الآن در عراق جاری است، با توجه به این که قبلاً فرموده‌اید امروزه حکومت قائم در دست بنی عباس است، از جمله مواردی است که منجر به تسلیم حکومت به سفینانی می‌شود؟ همچنین از دجال و ارتباط آن با شخص معروف سؤال می‌کنند. در مواجهه با چنین پرسش‌هایی چه کنیم؟

فأجابني (عليه السلام): (حاولوا أن تكون إجاباتكم محدودة جداً؛ لأن التشخيص يسبب لكم مشاكل كثيرة في هذا الوقت، والنتيجة أنهم سيعلمون الأشخاص بعينهم إن أرادوا استقراء الحقيقة، وهم لم يكلفوا الإيمان بالسفيناني وغيره، بل كلفوا الإيمان بالحجج، فمن عرف الحجة لا يضره شيء وكفي مؤنة البحث). ([\*])

[\*]- إن من يعرف حجة الله يكفيه ذلك مؤونة البحث والتحقيق في جزئيات الروايات وما فيها من إشارات ورموز، وبخصوص طالع المشرق اليماني (ع) فإنه ليس يكفي المؤمن به البحث عن الجزئيات فقط، بل يكفيه حتى البحث عن الامام المهدي (ع) وطلبه، لأن الاهتداء إليه ومعرفته اهتداء للامام (ع) بعد كونه الداعي إليه كما لا يخفى، قال أمير المؤمنين (ع) في خطبة له: (.. واعلموا أنكم إن اتبعتم طالع المشرق سلك بكم مناهج الرسول (ص) فتداويتم من العمى والصم والبكم وكفيتهم مؤونة الطلب والتعسف ونبتتم الثقل الفادح عن الأعناق، ولا يبعد الله إلا من أبى وظلم واعتسف وأخذ ما ليس له، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون) الكافي ج ٨ ص ٦٦ ح ٢٢.

وی (علیه السلام) فرمود: (بکوشید پاسخ‌های‌تان بسیار محدود باشد زیرا در حال حاضر معین کردن چیزی، مشکلات فراوانی برای شما ایجاد می‌کند. آنها اگر به دنبال کشف حقیقت باشند، خود، اشخاص را به عینه خواهند شناخت. تکلیف آنها ایمان آوردن به سفیانی و نظایر آن نیست بلکه وظیفه‌شان ایمان آوردن به حجج الهی است و کسی که حجت را بشناسد چیزی به او زیان نمی‌رساند و زحمت جست و جو نیز از دوش او برداشته می‌شود ([\*])).

[\*]- کسی که حجت خدا را بشناسد، زحمت جستجو و تحقیق در جزئیات روایات و اشارات و رموزی که در آنها نهفته است از دوشش برداشته می‌شود؛ به ویژه در خصوص طالع [طلوع‌کننده] از مشرق - یمانی - که با وجود ایشان، فرد مؤمن نه تنها از کندوکاو در جزئیات بی‌نیاز می‌شود بلکه حتی از جستجو و طلب امام مهدی (ع) نیز مستغنی می‌گردد زیرا پوشیده نیست که هدایت یافتن به ایشان و شناختن وی همان هدایت یافتن به امام است؛ چرا که او دعوت‌کننده به سوی آن حضرت است. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای می‌فرماید: (.. بدانید اگر از طالع [طلوع‌کننده] [قیام‌گر] مشرق پیروی کنید، او شما را به آیین پیامبر در می‌آورد و از کوری، کری و گنگی نجات می‌دهد و از رنج طلب و خودکامگی آسوده می‌شوید و بار سنگین را از شانیهاتان بر زمین می‌نهد. خداوند کسی را از رحمت خود دور نمی‌سازد مگر آن که از پذیرش حق سر باز زند و ظلم پیشه نماید و زور بگوید و آنچه را که از آن او نیست به ناحق بستاند؛ و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به‌کدام بازگشتگاه برخوانند گشت) کافی: جلد ۸ صفحه ۶۶ حدیث ۲۲.

\*\*\*